

### روابط ناقص خانوادگی .

روابط اولیه کودک بااعضاء خانواده ممکن است بر حسب موارد زیر ناقص یا غیر طبیعی توصیف شود :

۱ - شدت علاقه ؛

۲ - استبداد ؛

۳ - خصومت ؛

۴ - حسادت ( از یکی از اعضاء خانواده در باره علاقه ای که کودک ب دیگری دارد ) ؛

۵ - مخالفت ؛

در صورتیکه نیازمندیهای روانی کودک ارضا نشده باشد ، یا موقعی که روابط اولیه کودک بااعضاء خانواده بر اثر نقصان یا افراط در علاقه منحرف و دگرگون شده یا اینکه روابط مذکور بعزت جدائی ، طلاق یا مرگ والدین گسیخته و ضایع گردیده باشد ، رشد کودک ممکن است بسختی و کندی صورت گیرد . کودکی که از محبت و حمایت بی بهره است ، کودکی که رشد او متوقف مانده است یا یک کودک پریشان و مضطرب میتواند از خود رفتاری مخالف با اجتماع نشان دهد و خود را از نظر هم آهنگی با اقتضای حقیقت زندگی عاجز معرفی کند .

### کودک محروم .

کودکی که به علاقه و محبت اعضاء خانواده خود و مخصوصاً به علاقه مادر متکی نیست ، از نخستین سالهای زندگی علائم ناراحتی و عدم هم آهنگی را آشکار میسازد . مشکلاتی که بر اثر از شیر گرفتن کودک ، خوردن غذاهای جامد با منع از مکیدن انگشت برای کودک بوجود میآید ، با سانی قابل درک است . یک شکم پرستی مفرط ، دستبردهای متوالی ، بی اختیاری در عمل دفع ، در این قبیل کودکان بیشتر ظاهر میشود .

### كودك بی مادر.

بنابر تجاربی که در زمینه روانشناسی تربیتی بدست آمده است فقدان مادر و بویژه در دوسالگی بزنگی روانی كودك آسیب سختی وارد میآورد. فقدان مادر بطور کلی برای كودك جراحی محسوب میشود که احساس امنیت و آسایش او را متزلزل میسازد. باید احتیاج فوری را که كودك در این باره حس میکند بوسیله کسی که جانشین مادرش تلقی میشود، تأمین کرد. در این صورت لااقل مسائل و مشکلات آتی راجع بروابط اجتماعی كودك کاهش مییابد، لیکن این موضوع را باید پیش بینی کرد که روابط كودك با جانشین مادرش در ابتدا مشکل خواهد بود.

### كودك بی پدر

كودك در قبال ازدست دادن موقتی یا دائمی پدر، بوسیله اندوه واضطراب (همراه با احساس حرمان و کینه) و يك وضع مقاومت ناپذیر و عصیان آمیز ناشی از گسیختگی و نقصان علاقه در برابر خانواده خود، عکس العمل نشان میدهد.

كودكان محروم تمایل دارند که در عالم تصور آنچه را که در عالم حقیقت ازدست داده اند، جستجو و دنبال کنند. این كودكان دائماً بوهم و خیال برای خود پدری قهرمان و مادری از نوع «فرشتگان» میسازند. بررسی های راجع بمقایسه محتوی تصورات كودکی که در يك مؤسسه پرورش یافته با كودکی که در يك كانون استوار خانوادگی بزرگ شده است، ثابت میکند که اولی در زندگی حقیقی، هیجانات و تأثرات خود را محدود تر ابراز میکند؛ در عوض «بشدت در عالم خیال، فرو میرود. دستبرد، خرابکاری، اجتماعی نبودن، عدم خویشن داری در این كودك

از جمله عوارضی است که بطور کلی بر احساسات جریحه دار، اضطراب آمیز و خصمانه او دلالت دارد. در کانون‌های کودکان ملاحظه میشود که اگر چه از یک طرف، سلامت بدنی، رشد جسمانی و کنترل واکنش‌های روانی کودک، شکفتگی و پیشرفت موزون و هم‌آهنگی را در بر دارد، ولی از طرفی دیگر کودک با جدا شدن از اعضاء خانواده خود و با ظهور پاره‌ای نقائص از قبیل نقص تکلم، عادات نگوئیده، موانع رشد روانی، در معرض مخاطره قرار میگیرد.

### اتخاذ تدابیر مخصوص برای درمان حالات مذکور

بررسی و سائلی که با استعانت آن بزرگسالان میتوانند کودکان را پس از یک ناراحتی مانند ازدست دادن یکی از والدین خود، در انطباق با وضع جدید یاری دهند، حائز اهمیت است. و اسحق، مطلب مهمی را بیان کرده است، بدین معنی که باید کودک را در گریستن بغضاتر آنچه ازدست داده است آزاد گذارند، تا بتواند اندوه ورنج خود را بصورت کاملاً طبیعی اظهار کند. در این صورت خود او راه حل مناسبی خواهد یافت. معینا عاقلانه است که از تظاهرات دردناک کودک جلوگیری گردد و در همان حال بکودک مساعدت شود که وضع موجود را با درک حقیقت آن بپذیرد و تحمل کند. نام پدر یا مادر فوت شده را نباید بطور مبالغه آمیز گرامی داشت بلکه بهتر است بطور طبیعی و عادی از والدین مرحوم سخن بمیان آورد و خاطرات مشترک زندگی خانوادگی را احیاء کرد و در صورتیکه کودک مایل باشد باید با اجازه داده شود تا تصویری از پدر یا مادر خود را نگهدارد.

بعضی آنکه کودک خود را آماده نشان دهد، لازم است با او کمک کرد که بفعالیت‌های مثبت و اجتماعی خارج از خانواده بپردازد و در اینجا است که علاقه کودک با آموزندگی میتواند یار و مددکار بزرگی برای او باشد.

کارهای سرگرم کننده از هر نوع ، از قبیل نقاشی ، حجاری ، هنر نمایش و بازی ، برای زدودن تأثرات او بسیار مفید است . در صورتیکه بعضی از دوستان کودک دارای دردها و آلام مشابهی باشند، این نیز وسیله تسکینی است که کودک خود را در محنتها تنها حس نکند . فرصت های مناسبی که برای اجتماع بوجود می آید، بابر عهده گرفتن مسؤلیت های ابتدائی در خانه و مدرسه، نشان میدهد که کودک میتواند خود را عنصری مفید قرار دهد. بعلاوه باید کوشش کرد که از میان اعضاء خانواده یا دوستان بزرگسال کودک ، جانشین پدر و مادر فوت شده را پیدا کرد . لازم است کودک بتواند باشخصی که شایسته و درستکار باشد، علائق روحی برقرار سازد ، تا اینکه جریان تشخیص هویت بتواند ادامه یابد و اراده بزرگ شدن مستحکم و تأیید گردد .

### پرورشگاه .

بهترین نوع کانونهای محل سکونت یتیمان ، تقریباً پرورشگاه (foster home) میباشد. این نوع کانون بوسیله گزارش « کورتیس کمیته » (۱) که در انگلستان منتشر میشود توضیح داده شده است . پرورشگاهی که بخوبی انتخاب شده باشد برای کودک امنیت و علاقه ابراه که مورد نیاز است، فراهم میسازد . پرورشگاه نباید از لحاظ روانشناسی و ارتباط شرایط مادی و محیط دارای نقائصی باشد . باید از نزدیک شخصیت متصدیان پرورشگاه و همچنین علل و موجباتی که محرک آنان در پذیرفتن کودکان میباشد ، مورد بررسی قرار گیرد . پسندیده نیست که این موجبات و علل مبین جلب منافع مادی یا ضرورت ارضای احساسات واپس زده باشد .

۱ - گزارش انجمن حمایت کودکان ( ۱۹۴۶ و Curtis committee )

این موضوع واجد اهمیت است که متصدیان پرورشگاه نسبت به مشکلاتیکه کودک با آن مواجه میشود بصیرت و توجه داشته باشند. آنان باید از بعضی اختلال حالات کودک در موقعی که برای انطباق با وضع جدید خود تحت تعلیم قرار میگیرد، چشم پوشی کنند و بدانند که ایشان در برداشتن بار کودک با بازرس کمکهای اجتماعی باید همکاری کنند. بازرس مذکور، بنوبه خود، باید اطمینان کودک را بدین لحاظ که حرفهای او قابل توجه است، جلب نماید.

باید در تجسس نوع کانونی که مناسب يك کودک معین باشد، دقت بسیار مبذول داشت و تا حد امکان از تغییر آنها خودداری کرد زیرا این تغییرات همیشه اضطراب و ناراحتی کودک را افزایش میدهد.

#### کانونهای کودکان .

يك راه حل دیگر اسکان کودکان بدون خانمان یا محروم که از يك خانواده از هم گسخته یا معدوم شده، باقیمانده اند، آنست که کودک را در يك کانون پذیرند. کانونهای کودکان بی پناه، هنگام جنگ، از نظر مساعدت بکودکان در انطباق با وضع جدید، در انگلستان ایجاد شده است. مقامات محلی اداره تعدادی از این کانونها را بر عهده گرفتند. فکرو هدفی که در ایجاد آنها تأثیر داشته، عبارت بوده است از پی ریزی يك چیز ثابت که کودک بتواند آن را بشناسد و مورد آزمایش قرار دهد و بالاخره باور کند که در آن میتواند بازی کند. (۱) کودکی که نامالایماتی را تحمل کرده است، معمولاً از نظر بازی کردن بطور طبیعی و مداومت در کارهای مثبت و یافتن دوست، اشکالاتی در خود احساس میکند. ممکن است ابتدا بشکل صریحی رفتار غیر اجتماعی از او سر بزند؛

۱ - D.W. Winnicott and B. Britton ، اداره مرکزی مداوای

کودکان کند ذهن . روزنامه روابط بشری (Human Relations Journal)

ممکن است بعداً در او هیجان شدید روحی نسبت بیک شخص ایجاد شود که مختصات آن توأم با واکنشهای ناگهانی باشد. متناسب آنکه کودک بوسیله بازی، سرگرمیهای مثبت و موفقیتهاییکه در آموزشگاه بدست میآورد، طرز فراموش کردن ناملایات را فرامیگیرد، موفق میشود خویشتن را از هیجانانگیز و نونی برهاند. آنوقت بهتر خواهد توانست قواعد اجتماع را از نظر جلب موافقت سالمندان بپذیرد. رفته رفته روح اجتماعی در او رشد مییابد و برای او امکان پذیر میشود که با خصائل مورد لزوم ساکنان آینده جهان پرورش ورشد یابد. بیک آزمایش مفروض درباره تعلیم انضباط بمنظور تجدید تعلیم و تربیت کودک غیر اجتماعی، همواره گرانبها تشخیص داده میشود.

در جریان آشنا کردن و انطباق بیک کودک معرووم بامحیط جدید، مخصوصاً نباید فراموش کرد که او احتیاج دارد ببیند که مجدداً در پیرامون وی بیک زندگی خانوادگی بوجود آمده است. این آرزو در میان بیک دسته کوچک (حداکثر ۱۵ تا ۲۰ تن کودک) و تحت اداره بیک خانواده خوشبخت و متحد بهتر خواهد شکفت و تحقق خواهد یافت. ولی مؤسسات بزرگ نمیتوانند بطریق مطلوبی باین نیاز مندیهای کودک پاسخ دهند مراقبت چنین کودکان، برای کسانی که این وظیفه را برعهده دارند، مستلزم صرف نیروی فکری بسیار است و لذا ضرورت دارد که اینان از بهترین شرایط ممکن کار از قبیل: حقوق گزاف، تعطیلات طولانی و تسهیلات زندگی، بهره مند گردند.

### کودکان مجرم.

کودک گناهکار معمولاً بصورت فرد مضری در خواهد آمد و کمتر احتمال دارد بتواند آثار مثبتی از روح مدنی بین المللی از خود بروز دهد. برای تحلیل و درک اینکه چرا روح اجتماعی در چنین کودکانی بسختی و کندی رشد مییابد، دسته مأمور مطالعه، بتجزیه و تحلیل علل خطاهای دوران

کودکی مبادرت جسته است .

این علل بطور مشخص بدو طبقه تقسیم میشود :

۱ - عوامل ابتدائی، اساسی و داخلی؛

۲ - عوامل درجه دوم، خارجی و ناشی از محیط .

در طبقه اول مسائل زیر را مورد بحث قرار میدهم :

الف ( محیط بد خانوادگی که موجب دشمنی ، تصادمات و عدم

علاقه اعضا، خانواده نسبت بکودک میباشد؛ گاهی شکل روابط زناشویی

نیز در این مورد مؤثر است .

ب ( فقدان پیوستگی روانی نسبت بیک شخص مفروض که کودک

در اختیار اوست. بر اثر آن کودک پاره‌ای خصوصیات بی‌قیدی دچار میشود

و مخصوصاً این وضع در کودکانی که طی پنجسال اول زندگی، در مدتی

بیش از شش ماه از مادر خود جدا مانده‌اند ، زیاد معمول است .

ج ( عدم قابلیت و شایستگی اعضا، خانواده در تجسم یک هدف

جلوچشمان کودک، که از آن اشکالی برای کودک بوجود می‌آید که نتواند

خود را بعداً فرد خوبی تلقی کند؛ ضعف شخصیت و تمایلات طبیعی تحت

تأثیر راهنمایان بد بوجود می‌آید . در این طبقه همچنین مختصات راجع

باعمال بدن توضیح داده میشود : عدم تعادل غدد بدن، بیماریهای موضعی،

شرایط نامساعد طبیعی ، کمی هوش ، که از آن احساس خواری و پستی

و پدیده های ترمیمی (۱) ناشی میشود .

طبقه دوم شامل مسائل زیر است :

الف ( آنچه بکانون خانوادگی مربوط است : فقر و تنگدستی ،

زندگانی در یک خانه محقر و پر جمعیت ، جریانات مخصوص ناشی از غیبت

پدر هنگام جنگ و کار مداوم مادر در خارج از منزل؛

ب ( آنچه مربوط بآموزشگاه است: فقدان تحصیلاتی که نیازمندی

فعالیت کودک را ارضاء کند و شامل آن گردد، روشهای تحصیلی که با درجه رشد کودک بخوبی تطبیق نشده باشد؛

ج) آنچه مربوط با اجتماع است: تأثیر وسائل بازی و تفریح (کمی جا، کمبود وسائل، شرایط ناقص)، تمایل بایک مجاورت خطرناک و غیر اجتماعی و عدم دسترسی بکار بکه با تمایلات، ذوق و سطح رشد کودک متناسب باشد.

بنظر میرسد اقدامات احتیاطی اساسی شامل موارد ذیل باشد:

- ۱ - توسعه مؤسسات روانشناسی تربیتی، مخصوصاً حمایت مادران و کودکان، که در عین حال میتوانند اعضاء خانواده را راهنمایی کنند.
- ۲ - همکاری نزدیک بین خانواده و آموزشگاه: مقدمات کودک از نظر رفتار، قبول مسؤلیت و تن دادن بکارهای مختلف در آموزشگاه.
- ۳ - بهبود شرایط اجتماعی و توسعه وسائل تفریح و سرگرمی.

### کودکان «آواره» .

نتایج حاصل در باره کودکانی که طی جنگ تغییر مکان داده شده اند ظاهراً مدتها مورد استفاده قرار خواهد گرفت و باید مخصوصاً از نظر اینکه ما بخواهیم کودکانرا در انطباق و آشنائی با اجتماع جدید کمک کنیم، آنها را مورد مطالعه قرار دهیم.

در این نتایج مختصات زیر مشاهده میشود:

- ۱ - نارسایی مفرط و ذوق پیش رس قبول مسؤلیت؛
- ۲ - تمایل به تبعیت و نقصان رشد؛
- ۳ - اشکال ایجاد ارتباط بادیگری؛
- ۴ - عدم اعتماد و سوء ظن؛
- ۵ - کم حوصله گی و تمایل بموفقیت فوری؛
- ۶ - رضامندی از خود و اعتماد مبالغه آمیز بخویش؛
- ۷ - احساس مجرمیت و گناهکاری از اینکه پس از فقدان اعضاء



خانواده باید زیست کند؛

۸ - احساس داشتن يك وظيفه از نظر اجرای آن در زندگی. باید بیاد داشت که عده‌ای از کودکان بی پناه دارای روحی سرشار از ابتکار، شهامت و خصلت مدیریت هستند با اینکه برای بقای خود، با کمک جمعیتی که عضو آن هستند، تلاش و مبارزه میکنند و در فقر و تنگدستی عمومی سهیم میباشند معینا حالات عصبی کمتر در چنین کودکانی دیده میشود تا موقعی که مجبور شوند مجدداً با شرایط زندگی زمان صلح انس بگیرند، بدون اینکه در آن حال دیگر حق مبارزه داشته باشند.

کودک در مبارزه خود برای زندگی يك نیروی اخلاقی بروز میدهد. لازم است از کلیه وسائل موجود برای تحکیم روابط خانوادگی و اجتماعی، از نظر برانگیختن احساسی که بیک شخص یا يك چیز بستگی دارد، استعانت جوید. وی نیاز دارد باینکه درك و احساس کند که قدرت و ارزش او در نظر گرفته شده است و نقشی در اجتماع بازی میکند. این موضوع واجد اهمیت زیاد است که بکودک آواره کمک کنند تا از نظر روانی خود را با محیط جدید آشنا و منطبق سازد و کوشش بکار برند تا سطح فکری او ارتقاء یابد. بازی، کارهای تفریحی، يك کار دستی و مثبت و مسائل درمانی بسیار مؤثری برای ناپایداری، خشم، تعدی و حال عصبی محسوب میشوند.

نتایج بازگشت پدر: اشکال آشنائی و سازگاری مجدد.

نتیجه دیگر جنگ مشکل آشنائی و انس مجدد خانوادگی در موقع بازگشت پدر از ارتش، پس از يك غیبت طولانی است.

۱ - گاهی مشاهده میشود که پدر و فرزند نسبت بیکدیگر غریب

و ناآشنا شده‌اند؛

۲ - بی انطباطی که بر اثر طرز مراقبت مادر بوجود آمده است از

نظر تعویض آن بایک انضباط خیلی شدید که هنگام بازگشت از طرف پدر تحمیل میشود، مایه ناراحتی طفل میگردد؛

۳ - پیوستگی مفرط کودک با مادر هنگام غیبت پدر گاهی بدشمنی نسبت به پدر در موقع بازگشت او میانجامد، زیرا فرزند میخواهد علاقه مادر را حفظ کند (این عکس العمل در کودکانیکه طی مدت غیبت پدر در بستر مادر میخواهیده اند بوضوح مشاهده میشود)؛

۴ - ممکن است پدر نسبت بزین خود از اینکه در مدت غیبت او وفادار نمانده باشد بدگمان شود (و بطور معکوس)؛

۵ - اسارت یا جراحت که بر اثر جنگ بوجود میآید سلامت مزاج پدر زیان میرساند؛

۶ - عدم توجه و لاقیدی نسبت باولاد ارشد ممکن است منجر شود باینکه پدر تمایلی برای ایجاد کودک جدیدی ابراز نماید، و از همین جا حسد سایر کودکان برانگیخته میشود.

۷ - پدر ممکن است از نظر آشنائی و هم آهنگی مجدد با زندگی مدنی، پس از مرخص شدن از خدمت ارتش دچار زحمت گردد. ممکن است ضرورت اقتضا کند که مؤسسه اجتماعی از لحاظ درمان روحی اعضا، خانواده بمنظور انطباق آنان با وضع اجتماعی جدید مساعدت لازم را مبذول دارد.

درمانها از نظر عمومی.

وسائلی وجود دارد که بخانواده و آموزشگاه امکان میدهد، برای حصول رشد روانی بکودک کمک کنند و بمنظور ایجاد تعادل بکودکان بی پناه از نظر روانی مساعدت نمایند. در قسمت اول این گزارش بعضی از این وسایل، مخصوصاً ضمن مباحث راجع بکودکان بی پدر، کودکان مجروم و کودکان مجرم، معرفی شده است. در ذیل،

فهرست کاملیرا ذکر میکنیم :

- ۱ - ارضای نیازمندیهای روانی و اساسی کودک در سالهای اول زندگی خانوادگی بهترین طریق را از نظر تأمین رشد مطلوب شخصیت و تعمیم آن بمثابة پایه‌هایی برای سکنه جهان بوجود می‌آورد ؛
- ۲ - اندرزها و راهنماییهای مراکز پرورش و رشد کودکان، مراکز روانشناسی تربیتی و انجمنهای اولیای شاگردان و معلمین نسبت باعضاء خانواده ، باید با آنان کمک کنند تا احتیاجات کودک را درک نمایند و وسائل تأمین آنها را فراهم سازند ؛
- ۳ - شیوه‌های جدید متداول در آموزشگاهها که وسائل درمانی مؤثری را برای کودکان تأمین میکنند ، صرفنظر از بازیها و فعالیتهای آزاد ، بسیار گرانها هستند ، زیرا بدانوسیله بکودک کمک میشود که نیاز احتیهای روحی خود را مرتفع سازد و آنرا بصورت مطلوبی در آورد . اضطراب و ناراحتی درونی مانع از آنست که فرد درست و روشن فکر کند ، بطور مثبت و با واقع بینی قضاوت نماید یا روح انتقادی بدست آورد ، و حال آنکه این شرایط برای تأمین حسن تفاهم بین المللی ضرورت دارد ؛
- ۴ - ایجاد دوره‌های مخصوص ، در مؤسسات عادی یا مدارس خصوصی ، برای سازگاری مجدد کودکان بی پناه مفید واقع شده است . جای دادن این کودکان در پرورشگاه یا در کانونهای کودکان که با دقت انتخاب شده باشند و تحت مراقبهای روانی ، یک نتیجه عالی را از نظر درمان بوسیله محیط ، بوجود می‌آورد ؛
- ۵ - معالجه بوسیله بازی یا سایر انواع معالجات روانی فردی که توسط مؤسسات درمان روحی بکار می‌رود ، وقتی مؤثر است که کودکان علائم بارز بیماریهای عصبی را نشان دهند ؛
- ۶ - مراکز مشاوره زناشویی میتوانند در حصول آشتی بین اعضاء

خانواده که عدم توافق آنان، خانواده را بگسیختن تهدید میکند، مساعدت نمایند .

۷- این نکته حائز اهمیت بسیار است که در انتخاب معلمین همان اندازه که بمدارج تحصیلی آنان توجه میشود ، خصائل شخصی آنان نیز باید در نظر گرفت . آموزگاری که برشد روانی نائل آمده است میتواند ، ب میزان زیادی ، در تکامل مطلوب کودک و تربیت افراد مفیدی برای جهان ، سهم قرار گیرد .

# تعلیم و تربیت و موانعی که اجتماع در مقابل آن قرار میدهد

بقلم :

دکتر آلو امیردال

کارشناس تعلیم و تربیت کودکان،  
عضو فعلی دبیرخانه ملل متحد،  
اداره مسائل اجتماعی

## ۱ - محیط طبیعی

دوره کارآموزی فعلی، بمنظور تعیین و تنظیم برنامه تعلیم و تربیت مخصوص ساکنان جهان تشکیل یافته است. برای اجرای این برنامه، مشکلات احتمالی را باید منظور داشت؛ اینک بتدریج پاره‌ای از این مشکلات را مورد بحث قرار میدهیم:

موانعی که محیط، در یک اجتماع جدید، در مقابل تعلیم و تربیت ورشد کودکان قرار میدهد، وحشتناک است. آنها از امکانات، و از موضوع مورد اقدام ما، یعنی مطالعه مسائلی که موجود حالات فوق العاده میباشند از قبیل: جنگ، قحط و غلا، کوچ دادن از یک نقطه بنقطه دیگر، مهاجرت، خارج خواهد بود، زیرا آنها از حدود برنامه تعلیم و تربیت تجاوز میکنند. بنابراین ما خود را بمطالعه موانع نظم اجتماعی که معمولاً تعلیم و تربیت کودکان را دچار مشکلاتی میسازد، محدود میکنیم.

این مسائل و موانع بیشتر از نظر تعلیم و تربیت مورد مطالعه قرار خواهد گرفت تا از لحاظ روانشناسی - و نیز از نقطه نظر تغییرات ممکن در عمل، مورد بحث واقع خواهند شد و نه بطور کلی از جهت روابط اصلی. ما در دنیائی بسر میبریم که از کمال و فضیلت مطلق بسیار دور است؛

بنابراین ، هیچکس نباید اندرزها و توصیه‌هایی را که متضمن تغییر محیط باشد ، قبل از تعیین امکان اجرای آن ، مطرح سازد این تذکر مسلم و دائم راجع بحدود اجباری کار و کوشش ما ، میتواند وضع خاص توأم با ساده لوحی را که اغلب ، مباحث راجع بتعلیم و تربیت را فرا میگیرد ، زائل کند .

امروز از هر وقت دیگر لازمتر است که در این باره حقیقت معلوم و ابراز شود ، زیرا اشخاص پلیدی که در بین مردم و اعضاء خانواده وجود دارند از توقعات زیادیکه مرییان ، بسهم خود ، بعنوان خیر و صلاح کودکان بیان میکنند ، عصبانی میشوند .

باید نه تنها کودکان بخوبی تغذیه و مراقبت شوند . بلکه آن عده نیز که در کانونهای آرام بسر میبرند ، باید اتحاد اعضاء خانواده ایشان توأم با سعادت باشد ، باید مادرشان لااقل برنامه اوقات خود را تابع احتیاجات آنان قرار دهد ؛ باید همسایگان همان اندازه با آنان صحیح رفتار کنند که اعضاء خانواده با ایشان سلوک میکنند ؛ گفتارهای تازه را بر حسب مرحله رشد کودک ، که کارشناسان مربوط آن را مناسب تشخیص دهند ، بیاموزند ؛ باید مذهب و سایر مفاهیم مطلق ، بنحویکه متناسب استعداد کودک باشد ، بمنظور درک آنها ، توضیح داده شود ؛ باید محیط فرصت های مناسب فراوانی را برای تجارب گوناگون که بآن نام «بازیها» نامیده‌اند ، در اختیار بگذارد ؛ باید روابط دوستانه ، که بر آورنده نیازی باشد ، در لحظه معین برقرار نماید ؛ باید آزمایشهای جنسی بطور کاملاً هم آهنگ و موزون ، به ترتیبی که برای شرکت کنندگان مفید باشد ، صورت گیرد . برای پاسخ بدین شرایط چنین بنظر میرسد که سرتاسر جهان باید تغییر و تحول پذیرد و بیشتر زندگی جوانان تحت الشعاع اندیشه تعلیم و تربیت نسل آینده قرار گیرد .

من قصد ندارم در آنجا از کوششهایی که برای تعیین آنچه از لحاظ تعلیم و تربیت مطلوب است، بکار رفته، انتقاد آسانی کنم. لیکن نباید فراموش کرد که ما بشدت در معرض خطر ایجاد کشمکش و مناقشه قرار گرفته ایم، مخصوصاً از نظر مادران، که حساسیت و مراقبت مداوم آنان امروز تا این حد برای آسایش روحی کودک لازم تشخیص داده شده است. پس از یک دوران آزادی و استقلال، زنان ممکن است از آن بترسند که خود را مجدداً تابع یک قید حیاتی به بینند.

از اینروست که موضوع اصلی مطرح میگردد تا معلوم شود چه اندازه توقعات رشته تعلیم و تربیت واقعاً لازم الاجراء هستند؛ یا تا چه حد ممکن است تعلیم و تربیت بوضعی که قبلاً داشته است، بازگردانده شود: شغلی که اعضاء خانواده بخاطر آن فقط قسمتی از اوقات خود را صرف میکنند؛ و در چه حدودی میتوانیم محلی که، کودکان ما را احاطه کرده است، رها کنیم و ساختمان اجتماع خود را در مجموع آن، با آزادی تغییر دهیم. در عین حال که فقط یک اهمیت درجه دومی را نسبت به نتایج این تحول در تعلیم و تربیت قائل میشویم.

راه حل این مسئله پایان و سرانجام کوششهای ما را نشان خواهد داد و لزوم متممی را از نظر نتایج و آثار این دوران کاژ آموزشی (استاذ) در خصوص شکل دادن تعلیم و تربیت کودکان ایجاب خواهد کرد. اما، قبل از وصول بدان، ما باید طریقه ای را که سازمان اجتماع فعلی بتوقعات مریبان پاسخ میدهد، مورد مطالعه و آزمایش قرار دهیم. من خود را در توضیح این موضوع محدود میکنم، من نمیتوانم جز یک کمک فکری بشما چیزی عرضه بدارم؛ اغلب ملاحظات و اطلاعات راجع بآن باید ضمن ادامه کارهای استاذ تکمیل و بسط داده شود.

## سطح زندگی

آیا سطح زندگی مستقیماً در تعلیم و تربیت تأثیر میکند؟ شایسته است ابتدا تأثیر غیر مستقیمی که توسط تغذیه، تندرستی، نیروی حیات کودکان حاصل میشود مورد مطالعه قرار گیرد. مسئله تأثیر مستقیم بسیار مشکل و دقیق است. با وجود این - پس از مطالعات هیلد گارد هتزر (۱) و ژرزیلد (۲) و دیگران - میتوانیم بگوئیم که بنظر میرسد کودکان بوضوح فقر خود را، در صورت اقتضا، درک میکنند.

با وجود این مفهوم «فقر» هر گز دارای ارزشی مطلق نیست. بلکه اختلافات سطح زندگی طبقات مختلف اجتماع و تغییراتی که در سطحهای مختلف زندگی طی مدت مبنی ظهور میکنند، روح را متأثر میسازد و موجب غم و اندوه، نگرانیها یا یک احساس دشمنی و تنفر میشود. مطالعه تجارب راجع با احساس حقارت و پستی که مبنی بر اختلافات حقیقی سطحهای زندگی است باید در هر گونه طرح تحقیقات مربوط بر روانشناسی کودکان و سالمندان واقع شود.

بطور کلی، برای حصول نتیجه باز هم ما میتوانیم تأیید کنیم که اختلافات و تغییرات مربوط به سطح زندگی موجب اختلافات و تغییراتی در شیوههای تعلیم و تربیت میشود. چنین بر میآید که کودکان امروز، خود را در معرض اجرای روشهای تربیتی مختلف مشاهده میکنند، که تغییرات آنها بخوبی حکایت از عدم ارتباط و پیوستگی دارد. علمای اجتماع که مسئله تعلیم و تربیت را مورد گفتگو و مباحثه قرار دادهاند اینک باید به مطالعه

۱ - Hildegard Hetzer. Kinaheit und Armut. Leipzig, 1929

۲ - Jersild, Markey and Jerild : Lesenfants : leurs craintes,

leurs rêves, leurs désirs, leurs songeries, leurs goûts, etc. Child Development Monographs, New York, Teachers' College, Bureau of Publications, 1932 .



انعکاسهای این تغییرات در کودکان و نتایجی که مورد استفاده دائمی یکی از روشهای مذکور در يك اجتماع پایدار است، پردازند.

نوع اقامتگاه خانوادگی موجود مشکل و مانع کاملاً مشخصی است که غالباً با تعلیم و تربیت مطلوب و صحیح سازشی ندارد. در این زمینه نیز هیلدگارد هتزر، پیشقدم شده است و امروز روانشناسان نظرهای او را تأیید میکنند. من در سال ۱۹۶۵ از طرف انجمن دولتی سوئد برای مطالعه اجتماعی مسکن مأمور شده‌ام و توانسته‌ام محل لازم را برای تعلیم و تربیت کودک تعیین کنم و نشان دهم که آن در نسبت‌های زیادی تغییر میکند، در عین حال که در اغلب حالات، آنهم کافی نیست. در اقامتگاههای معمولی خانواده‌های جدید تقریباً همیشه غیرممکن است کودک را باز گذارند تا با آزمایش‌هاییکه، بازی فرصت میدهد، پردازد. شیوه عالی که عبارتست از تنها گذاردن کودکان در موقعی که دچار خشم و عصبانیت میشوند، فقط در کمتر از نیمی از خانواده‌های کشوری مانند سوئد قابل استفاده تواند بود، زیرا اغلب منازل محدود و کوچک هستند. در شرایط فعلی زندگی شهری، همسایگان و خویشان فشار شدیدی بمادر بیکه بخواهد کودک را بحال خود گذارد تا بتدریج وضع و رفتار خویش را تنظیم و اصلاح کند، وارد میسازند، و حال آنکه حق اینستکه مادر رفتار اجتماعی دیگر را خودش فوراً و جبراً باو تحمیل نماید. مثالهای زننده ممکن نیست پیاپی آنچه در کتب کمال مطلوب جلوه داده شده است، برسد، در حالیکه با نداشتن فضا و جا، کودکان باید در تمام مظاهر زندگی خانوادگی از عبادت گرفته تا بازی ورق و از کشمکش و نزاع تا روبوسی و در آغوش گرفتن، شرکت جویند، بدون آنکه این اعمال متناسب مرحله تکامل و رشد فردی کودک باشد.

در کشور سوئد ما کوشش کرده‌ایم تحقیقات را از حدود تقسیم خوابگاهها، حجم و مساحت اطاقها جلوتر ببریم. بر اثر آن، متوجه شده‌ایم در منازل شهری که وسعت کمی دارند، ۲/۱ افراد دو جنس مخالف، پس از دوازده سالگی، باهم در یک اطاق می‌خوابند. البته افراد متأهل در این حساب منظور نشده‌اند. این آمارها، از کشوری بدست آمده که یقیناً و بطور استثناء سطح زندگی آن بالاست و میتواند با نتایجی که «هیلدگارد هتزر»، از مطالعه شرح حال دخترانیکه اسرار خود را از نظر جرائم و مشکلات جنسی بروانشناسان باز گفته‌اند، بدست آورده‌است، تطبیق گردد. ملاحظه میشود که در اغلب حالات، این دختران تجارب اولیه جنسی خویش را در سنین کم، با مردی از خانواده خود بدست آورده‌اند. بنظر میرسد آنچه باعث اتهامات منافی عفت با محارم میباشد وسعت کم مساکن بر جمعیت است و البته بدون چنین وضعی هرگز این اتهامات موردی نمییافت.

### تفریحات

نباید تأثیر فقر را در شرایط مادی زندگی خانواده کم اهمیت تلقی کرد: در نتیجه یک رابطه صریح و مستقیم بین سطح زندگی و مقدرات و وسائل تفریح کودک، وجود دارد. لیکن هنوز رابطه مستقیم‌تری بین تعداد کودکان یک خانواده و وسائل تفریحی که همراه با تعلیم یافتن در اختیار آنان گذارده میشود، برقرار است: کتب، بازیها، گردشها و غیره. یک بار دیگر از آمارهای مربوط بکشور سوئد مثال کاملی در این زمینه بیاوریم: بر اثر غور و تعمق در بعضی خانواده‌ها، عم از آنکه دارای عوائد زیاد یا کم باشند، چنین نتیجه گرفته شده است که بطور متوسط در مبالغ اختصاص یافته جهت خرید کتب در مجموع (ونه در یک شخص) نسبت بهر خانواده بدون فرزند ۳۵ کورون (پول رایج سوئد) و در باره هر

خانواده‌ای که بیش از چهار فرزند دارد، و بزرگترین ایشان ۱۵ سال یا بیشتر داشته باشد، ۲۱ کورون در سال، کاهش روی داده است. با توجه باینکه تأثیر آموزندگی و تربیتی کتب درسین مذکور ممکن است خیلی بیشتر باشد. همین وضع دربارهٔ روزنامه‌ها، مسافرت، بازیها و اسباب بازی نیز صدق میکند. این پدیده بدین نحو توجیه میشود که بر اثر ولادت کودکان جدید، بودجهٔ خانواده، بدون آنکه در عایدات افزایشی روی دهد، در وضع دشواری قرار میگیرد، ضمناً محل‌های خرج که در وهلهٔ اول اختصاص داده میشوند عبارتند از مسکن - که قبلاً دربارهٔ آن صحبت کرده‌ایم و تفریحات و فعالیتهای فرهنگی. (۱)

### ساختمان خانواده

این موضوع مورد قبول است که شرایط مطلوب تعلیم و تربیت هنگامی بدست می‌آید که اعضاء خانواده با حسن تفاهم بسر برند؛ يك محیط پرشور و باحرارت بسازند، بکودکان فرصت دهند که خود را مجذوب کاروزندگی نشان دهند، آنان را دائماً از انقیاد و فرمانبری باستقلال و آزادی رهنمون شوند.

باید در تمام برنامه‌های تعلیم و تربیت حقیقت در نظر گرفته شود، مطلب در اینست که طلاق، عدم توافق و فوت، بعضی از کانونهای خانوادگی را ویران میکنند و باعث تکثیر کودکانیکه از روابط غیرقانونی بوجود آمده‌اند، میگردد. آمارهای مربوط بکشورهای مختلف نشان میدهد که تعداد زیادی از کودکان در شرایطی زیست میکنند که میتوان در این باره آنرا «غیرعادی» تلقی کرد. متأسفانه ضمن آمارهایی که قسمتی از آنها را در اینجا ذکر میکنیم؛ اکتفا کرده‌اند باینکه مجموع طلاق، وفات و تولد

۱ - برای توضیحات و تحقیقات بیشتر مراجعه شود بآثر «آلوا میردال»

تحت عنوان: «Nation and Family» New York, Harpers, 1941

ناشی از روابط غیرقانونی را نشان دهند ولی ترکیب خانواده‌های مورد نظر را تعیین نکرده‌اند. این امر یکبار دیگر بمانتابت می‌کند که در تصمیمات مربوط با اجتماع، مسائل راجع به تعلیم و تربیت بهیچوجه مورد توجه قرار نمیگیرند.

در باب آثار و نتایجی که فقدان یکی از اعضاء خانواده در تعلیم و تربیت کودکان دارد. موضوعی که در خور تحقیق و مطالعه بسیار عمیقی است. در اینجا باید خاطر نشان کنیم که در این قبیل خانواده‌ها، تعداد کودکانیکه بوسیله زنان مجرد بزرگ میشوند، افزایش یافته است، زیرا اغلب پدر در خانه نیست و از مسؤولیتهای خود شانه خالی میکند یا بر اثر طلاق زندگیا رها می‌سازد، عامل مرگ را نیز باید مزید بر علت دانست.

حتی وقتیکه والدین در يك خانه زندگی میکنند و با كمك يكديگر کودکان خود را پرورش میدهند، روابط آنان با کودکان بر اثر سایر عوامل کمتر مورد تهدید قرار نخواهد گرفت، این عوامل عبارتند از وجود اجداد کودکان در کانون خانوادگی، اینک که کودک، کوچکتر یا بزرگتر از برادران و خواهرانش باشد، ملاقات با سایر اعضاء خانواده، اینک که مستخدمین طی قسمت کم یا زیادی از روز جای پدر و مادر را بگیرند. این عوامل تماماً «غیرطبیعی» هستند بدین معنی که غرض هر نقشه تعلیم و تربیت را نقض و خراب میکنند، این عوامل را باید بمتابعت اثریکه در شخصیت هر کس ایجاد میکنند، مورد قضاوت قرار داد. بسیار کم دیده شده است که پدران و مادران، هرچند که نیت آنان خیر باشد، بتوانند بطور کامل محیط خانواده را تعیین کنند.

### ناپایداری ترکیب خانواده

مربیان بطور کلی بنا بر این اصل که کودکان باید در يك محل ثابت، و نه تغییرناپذیر، زندگی کنند، بکار می‌پردازند. معیناً مشکلات و مفاسد

بحدی در حقیقت زندگی شیوع دارد که بنظر میرسد دقت و توجه مخصوصی باید بکار بست. مرگ محیط خانوادگی را متزلزل و دگرگون میکند. طلاق، اغلب تقبه عمیقی بایک صورت نامطلوب بوجود میآورد. یک اسباب کشی ساده (تغییر منزل) را که در بعضی کشورها امر کاملاً عادی تلقی میکنند، در یک زندگی هم آهنگ و آرام، موجب تغییراتی میگردد و از نظر کودکان مفهوم دیگری غیر از آنچه بزرگان درک میکنند، دارد و شك نیست که مر بیان بندرت یک چنین دگرگونی توجه و اعتنا میکنند. تعویض مستخدمین خانه عامل دیگر ناپایداری است که بزرگسالان اهمیت آن را در باره کودکان بدرستی نمیسنجند. باید افزود که این معنی در پرستاران و مبصران باغهای کودکان و سایر مؤسسات مربوط بکودکان نیز صادق است.

هر گاه باین فهرست ترس شدید را که ناشی از بیکاری و بحرانیها و خرابیهای مالی میباشد بیفزائیم برای ما محقق خواهد شد که عامل ناپایداری نقش اساسی را در محیط خانوادگی ایفاء میکنند و بی شك ارزش آن را دارد که کوشش شود نظرهای مادر باره تعلیم و تربیت تعدیل گردد و محلی برای آنچه را که میتوان « نیروی تعلیم و تربیت » نامید، باز شود.

### روابط بین کار و زندگی خانوادگی .

اینکه که پدران و مادران بر اثر امور حرفه ای از کانون خانوادگی خود دور میشوند، در ساختمان خانواده تأثیر دارد. جنبه مطلوب اصول تعلیم و تربیت هرگز ممکن نیست آشکار شود مگر وقتی آن اصول، تمایلات قابل تقدیسی را باینکه کودکان در کارهای والدین خود شرکت جویند و متدرجاً با حقایق موجود در محیط فعال خانوادگی آشنا شوند بیان کنند. حضور اعضاء خانواده در کانون خود بر حسب شرایط زندگی جدید متناوب است و این فواصل زمانی قهراً بانیاز مندبهای کودکان مطابقت ندارد. در اغلب خانوادهها پدر در قسمت بیشتر روز در خانه نیست، وضع مشاغل او ایجاب

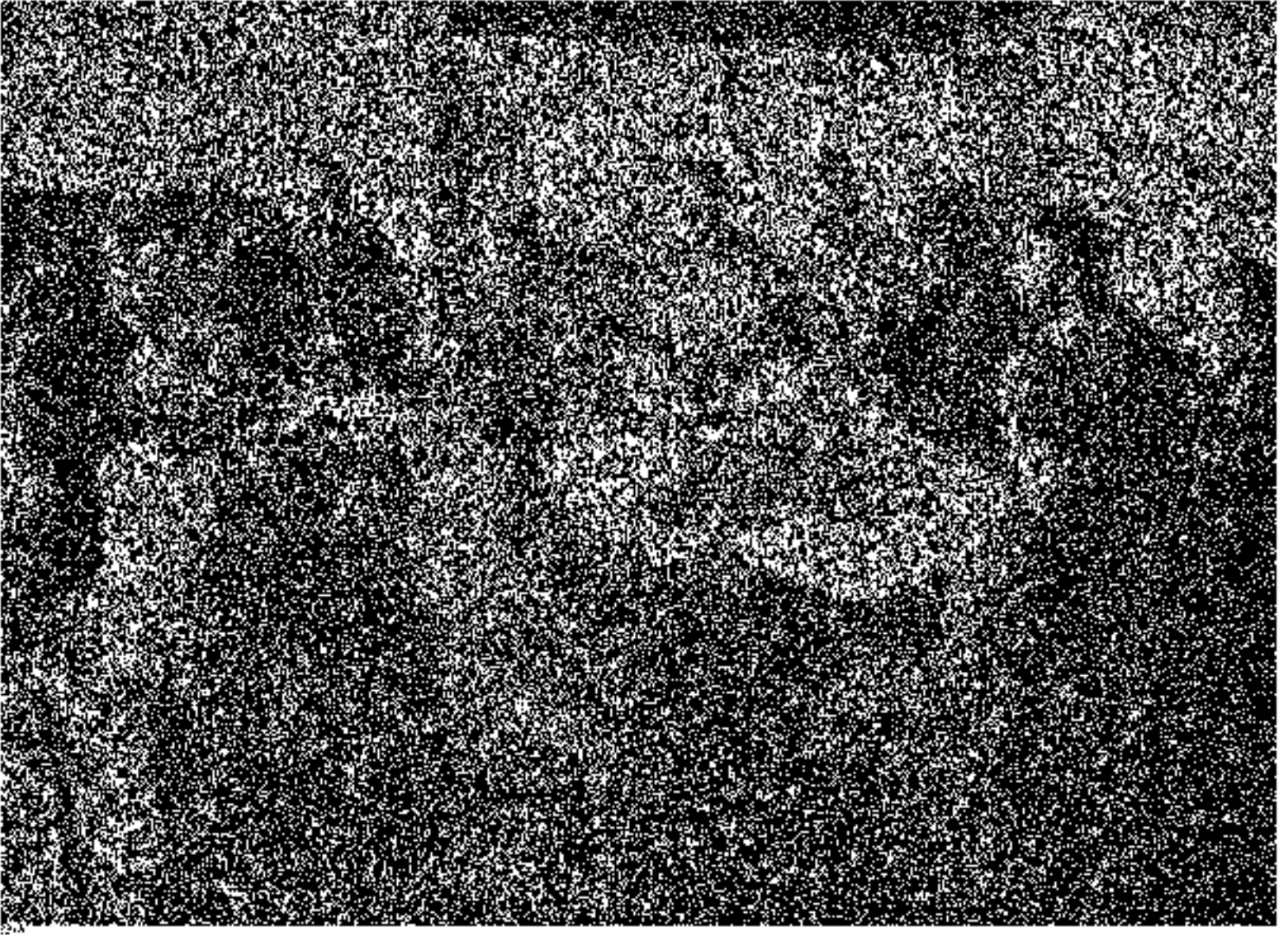
نمیکنند که جز لحظات کوتاهی در صبح و عصر، در خانه باشد؛ چنین ترتیبی بی شك از نقطه نظر يك نفر مربی اسف انگیز است، اما هنوز جای تأسف بیشتری است هنگامی که مادر نیز خانه را برای کار خود ترك میکند. عملی که امروز دیگر خیلی رایج است. نتایج اساسی این انقلاب و دگرگونی خانوادگی عبارتست از تغییر ترکیب خانواده، تضعیف نقش پدران و مادران، سرگرمی آنان بکار خود و بالاخره وضع کاملاً مخصوصی که غیبت همزمان پدر و مادر ایجاد میکند.

### اجتماع.

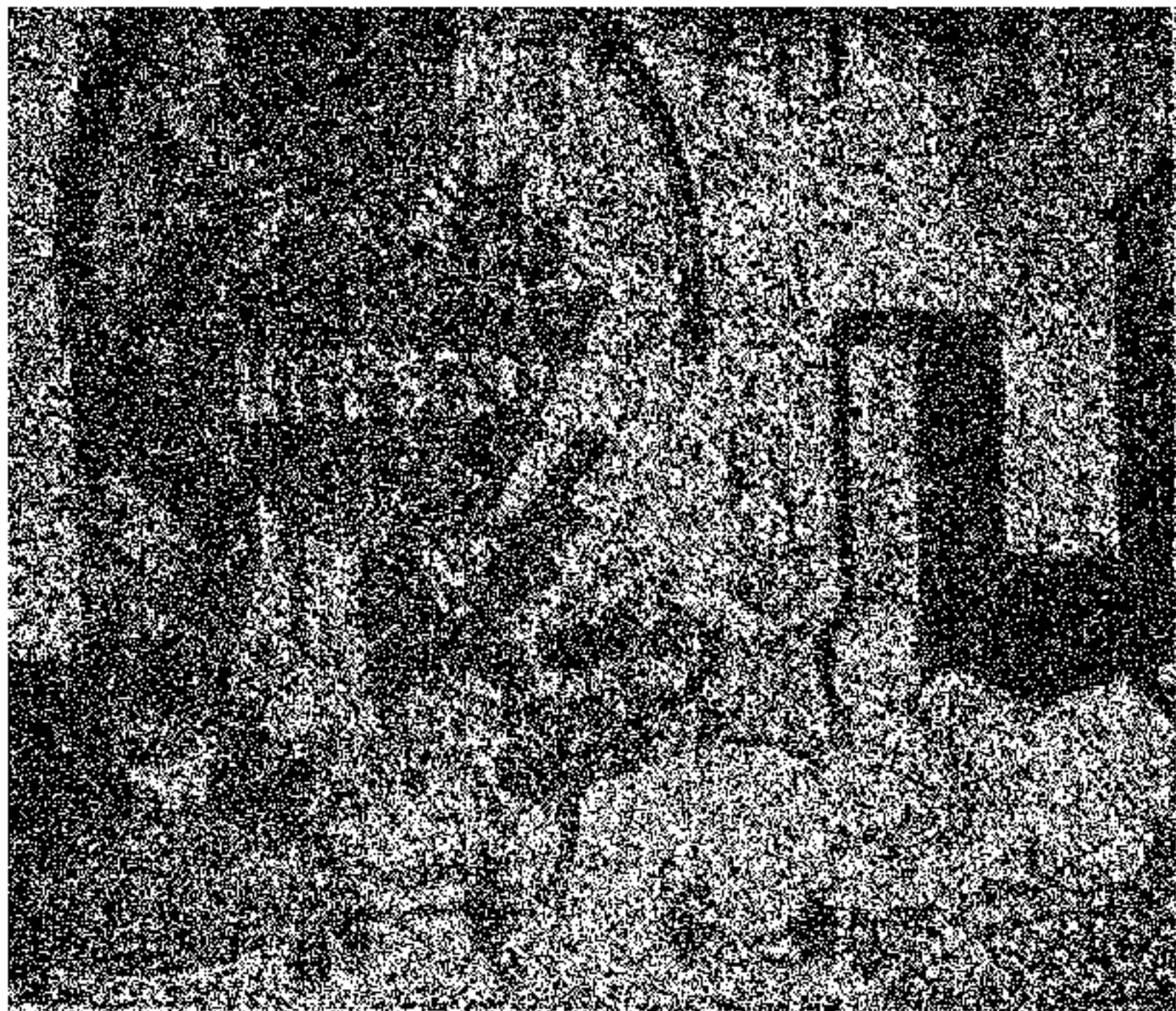
این موضوع تقریباً ثابت شده است که محیط روستائی معمولاً برای تعلیم و تربیت مساعدتر از محیط شهری است؛ اما این نتیجه ممکن است بر اثر مطالعه شرایط زندگی روستائی حاصل شده باشد و یا بدین علت که ما افکار خود را روی نقش تربیتی محیط قرار میدهیم و یا بدین جهت که، در شیوه تعلیم و تربیتی که با شرایط زندگی شهری بهتر قابل انطباق باشد، اهمال کرده باشیم. در وضع فعلی، کوشش بسیار بکار میبرند تا بطور مصنوعی، برای کودکان شهرها، شرایط طبیعی را که با فعالیت و کار جوانان ده منطبق باشد، ایجاد کنند.

محیط از نظر تعلیم و تربیت کودکان مبین اهمیت بسیار است. اگر صحیح است که تعداد مجرمین جوان، با وضعی که کانون خانوادگی آنان را احاطه کرده است بستگی دارد، باید تن در داد باینکه تعلیم و تربیت و رشد کودکان تحت تأثیر پاره‌ای جریانات واقع میشود: مثلاً آیا کودکان میتوانند در يك باغ بازی کنند که در آن جوی آب جریان دارد؟ آیا آنان دارای حیوانات اهلی هستند؟ آیا در زمین مسطح بازی میکنند یا در حیاط خانه‌ها؟

### مؤسسات شهری و مؤسسات روستائی.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



بانو «اسکار» سرپرست دوره کارآموزی هنگام سخنرانی در «پودبرادی»



شهرنشینان کوشش میکنند بعضی از محلات شهر را بطبقات معینی از مردم اختصاص دهند؛ مانند کارگران، مستخدمین و غیره. آنان اغلب بساختن خانه‌های مخصوصی برای اشخاص سالخورده، مادرانیکه ناگزیر از کار کردن هستند، و غیره مبادرت میکنند. دهکده‌های کودکان، میتوانند صورتی از این وضع خاص که بتمايلات وسیع اصلاح طلبان معاصر اجتماعی پاسخ میدهد، تلقی شوند. نقش نهارخانه آموزشگاهها که بطور روزافزون در کشورهای مختلف توسعه مییابد و خدمات بزرگی بخانواده‌ها انجام میدهد نیز باید مورد مطالعه قرار گیرد. آیا برای ارتقاء تربیت اجتماعی، کودکان کوشش لازم بعمل می‌آورند؟ آیا روح زندگی کردن باجماعت یا روح تعاون را رشد میدهد؟ آیا رسالات راجع بتغذیه کودکانرا مطالعه میکنند و از توصیه‌ها و راهنمایی‌های دقیق آنها برای رژیم مخصوص هر يك از کودکان استفاده می‌برند؟ آیا قرائت آن رسالات بتمام پدران و مادران توصیه میشود؟ چنین مطالعه‌ای باید درباره مؤسسات پزشکی و دندان پزشکی که برای کودکان تشکیل یافته‌اند و همچنین در مورد کلیه مؤسسات اجتماعی که مستقیماً یا غیرمستقیم قابل توجه هستند، صورت گیرد؛ بعنوان مثال کمک بمادران، منع مشروبات الکلی، کمک‌های اجتماعی و مرخصی‌های با حقوق را ذکر میکنیم. مطالعه طریقه‌ایکه این مؤسسات مورد استفاده خانواده‌ها واقع میشوند یا با آنان تماس میگیرند، از نظر تربیتی متضمن نتایج مفید خواهد بود، البته در صورتیکه در باره این نتایج بنحوی مطالعه کنند که ارزش تربیتی آن با ارزش اجتماعی آن تطبیق کند.

### تأثیرات فرهنگی

آهنگ بسیار سریع تغییر تمدن ما، ما را وادار میکند که بخود آئیم، بویژه آنکه این سرعت تغییر اثر مثبتی در تعلیم و تربیت نیز دارد.